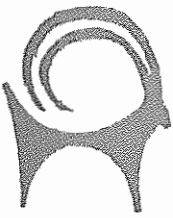


نیروهای جوان و خلاق را نیز دشوار می‌سازد. اگر بر این باوریم که اعتلای صنایع دستی هر ملتی موجب حفظ ارزشهای ملی آنها می‌شود و بازتاب بار فرهنگی و هنری آن جامعه است، در کشوری که معادن سرشار برای تأمین منابع خام دارد از شمال تا جنوب از تنوع قومی و منطقه‌ای با سبکهای ویژه هنری برخوردار است و در تمام زمینه‌های هنری نیروی متخصص و هنرمند به اندازه کافی در اختیار دارد، باید برای بهره‌کافی از آن اقدامات جدیتری به عمل آوریم. جای آن دارد که مسئولان از این هنرمندان پراکنده در سراسر کشور حمایت کنند و با در اختیار گذاشتن امکانات اولیه، و برنامه‌ریزیهای دقیقتر و جدیتر در راه شکوفایی و اعتلای این هنر اصیل گام بردارند.

خانم رویا جاویدنیا، یکی از هنرمندانی



موفق می‌شود. وی گفت: «در سفری که به ترکیه داشتم تا حد ممکن از آثار هنری آنجا دیدن کردم. آنها در امر مرمت آثار باستانی بسیار جلو هستند و دقت خاصی در نگهداری آنها به خرج می‌دهند. من فکر می‌کنم اگر ما هم ارتباط بیشتری با دنیای خارج برقرار کنیم، می‌توانیم با به کارگیری تجارب خودمان، در زمینه‌های هنری رشد و پیشرفت بیشتری داشته باشیم.»

بسیار کوشیدیم که با زنان سفالگر دیگری که در این نمایشگاه شاهد آثار هنریشان بودیم، نشست دوستانه داشته باشیم تا نظراتشان را در این باره منعکس کنیم، اما با تأسف بسیار ناچاریم از این عزیزان گله‌ای دوستانه داشته باشیم که با کم‌لطفی خود نسبت به حرکتی که می‌توانست نتایج مؤثری داشته باشد، مانع این کار شدند. امیدواریم در آینده با لطف بیشتری با هنر مورد علاقه خود برخورد کنند.

«قلعه‌مرغی» و یا «صالح‌آباد» می‌پزند که ضایعاتی به همراه دارد. هنرجویانی که بسیار علاقمند هستند و قدرت فراگیری خوبی هم دارند، جایی برای کارکردن ندارند. سه پایه نقاشی را می‌توان در گوشه‌ای از اتاق جای داد اما چرخ سفالگری و کوره هر یک محل‌های خاص خود را دارند. شاید علت این که سفالگری در ایران رشد لازم را نداشته است، همین نبود امکانات و کم‌اهمیت تلقی شدن آن بوده است.»

در این زمینه با خانم بیتا فیاضی، یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در نمایشگاه، نیز صحبت کوتاهی داشتیم. او هم در زمینه مشکلات هنرمندان سفالگر به کمبود امکانات اولیه اشاره کرد و معتقد بود که سفالگری پیشرفت زیادی کرده است اما هنوز راه زیادی در پیش دارد. و علی‌رغم مشکلات فراوانی که سر راه هنرمند قرار دارد، انگیزه او برای ادامه راه بسیار مهم است و اگر انسان علاقه به پویایی داشته باشد، حتماً

که آثارش در نمایشگاه عرضه شده بود، می‌گفت: «سفالگری در شرایط فعلی مشکلات خاص خود را در زمینه‌های اجرایی دارد که شامل کار همه هنرمندان می‌شود، اما زنان به خاطر ویژگیهای خاص زندگی و اشتغال خود، دچار مشکلات بیشتری هستند. با این حال باید گفت که زنان از توان و پشتکار قابل تحسینی در این زمینه برخوردارند و این نشان می‌دهد که اراده و عشق در کار، دشواریها را تا حدودی از میان برمی‌دارد.» در جواب این سؤال که سفالگران با چه مشکلاتی رو به رو هستند، وی افزود: «سفالگران بیشتر با کمبود امکانات و مواد از قبیل گل، چرخ سفالگری و کوره برای پختن کارهایشان مواجه هستند. عده‌ای از هنرمندان، چرخ سفالگری را در آشپزخانه یا انبار منزل و حتی روی پشت بام گذاشته‌اند و در سرما و گرما به کار می‌پردازند. گروهی حتی این امکان را نیز ندارند و کارهایشان را در کوره‌های



چرا ورزش نمی‌کنید؟

کیانوش شریفی آذر

می‌دهند و کمتر کسی است که از طریق رادیو، تلویزیون یا مطبوعات این تبلیغات مستمر را ملاحظه یا مشاهده نکند. اما به نظر می‌رسد که مشکل اصلی مردم عدم آگاهی از اهمیت امر ورزش نیست بلکه عوامل دیگری در این امر دخیلند که به چند مورد آن می‌پردازیم:

- بی‌توجهی به خود: بسیاری افراد در جامعه صرفاً به فکر دیگران هستند و از صبح تا غروب به فعالیتهای مادی یا غیرمادی مشغولند تا مشکلات دیگران را حل کنند و به نوعی می‌توان گفت خود را وقف خانواده، افراد فامیل یا اطرافیان‌شان کرده‌اند و به وضع روحی و جسمی خویش توجهی ندارند. در حالی که فرصت یا امکان کافی برای پرداختن به امور خود را دارند. در واقع این قبیل افراد از نقش ورزش در افزایش نیروی فکری و جسمی انسان غافلند و فراموش می‌کنند که برای بهبود و پیشبرد روند خدمت

به قضاوت بگذارید و ارزش یا عدم ارزش آن را نسبت به عدم فعالیت جسمانی و مضرات آن مورد سنجش عادلانه قرار دهید و پس از آن حکم منصفانه را اجرا کنید.

آگاهی از اهمیت ورزش:

نمی‌توان گفت که انسانها از چه زمانی به اهمیت ورزش و فعالیت جسمانی واقف شده‌اند؛ چرا که از زمانهای بسیار دور انسان، ورزش را به عنوان عاملی سازنده به کار گرفته است. درست است که شناخت قوانین علمی ورزشی، چند دهه، بیشتر قدمت ندارد اما فرصت کافی برای شناخت موضوع و کسب اطلاعات کافی در این زمینه وجود داشته است. عامل مهمی که در هر جامعه ارزشها را تبلیغ و ترویج می‌کند، تبلیغات است که خوشبختانه امروزه رسانه‌های گروهی، برنامه‌های متعددی برای ترغیب مردم به فعالیت جسمی اختصاص

عنوان مقاله بدون شک نظر شما را به سوی ابعاد علمی عواقب ورزش نکردن سوق می‌دهد. اما موضوع مورد بحث ما درباره دلایلی است که شما برای ورزش نکردن ابراز می‌کنید. تاکنون از خود پرسیده‌اید چرا ورزش نمی‌کنید؟ روی سخن ما به خصوص با افرادی است که با علم و آگاهی به فواید ورزش، به آن نمی‌پردازند.

بررسیهای تجربی نشان داده است که اغلب مردم کاملاً واقفند که ورزش باعث سلامتی جسم و روان می‌شود و با این حال با دلایلی که شاید چندان قانع‌کننده هم نباشد، در انجام آن اهمال می‌کنند.

به هر حال به نظر ما دلایل گوناگونی که برای ورزش نکردن مطرح می‌کنید، غالباً قانع‌کننده نیست. شاید دلیل شما یکی از موارد زیر باشد. شاید هم دلیل دیگری برای ورزش نکردن داشته باشید ولی امیدواریم با مطالعه موارد مذکور، شما هم دلیل خود را

درجه‌بندی چهار ورزش برای بالابردن آمادگی جسمی و رسیدن به آمادگی عمومی

ردیف	نام ورزش	اثرات قلبی و تنفسی	استقامت عضلانی	قدرت	انعطاف‌پذیری	تعادل	کنترل وزن	تاثیر بر عضلات	هضم غذا	خواب
۱	پیاده‌روی	عالی	عالی	خوب	متوسط	خوب	عالی	خوب	خوب	خوب
۲	دویدن آرام	عالی	عالی	خوب	متوسط	خوب	عالی	متوسط	متوسط	خوب
۳	دوچرخه سواری	خوب	خوب	خوب	متوسط	خوب	عالی	متوسط	متوسط	خوب
۴	شنا	عالی	عالی	متوسط	خوب	متوسط	خوب	متوسط	متوسط	خوب

● در هر جلسه تمرین به تقویت انگیزه خود اقدام کنید و اجازه ندهید تا ناپاوری، ارزش ورزش شما را دلسرد و متوقف کند.

به دیگران، باید از این وسیله سهل الوصول، کم خرج و با اهمیت سود جویند. به بیان دیگر اگر قوای فردی از جهت فکری و یا جسمی به تحلیل رود، چگونه می‌تواند کارآیی مناسبی در فعالیتهای خود داشته باشد.

- خستگی روحی و جسمی: مشکل می‌توان نقش ثمرات ورزش را در هر یک از ابعاد شخصیتی انسان تفکیک کرد. ورزش نقش به سزایی در رفع مشکلات روحی از جمله خستگی روحی، بی‌حوصلگی، افسردگی و... دارد. ورزش موجب تجدید و تحریک قوای درونی انسان می‌شود، نشاط و شادابی می‌بخشد و تعادل روانی به وجود می‌آورد و در نتیجه خستگی و بی‌حوصلگی را زایل می‌کند. حتماً تاکنون حالت روحی خود را پس از استحمام تجربه کرده‌اید و می‌دانید چه احساس لذتبخشی به انسان دست می‌دهد. شاید بتوان تشابهی بین این حالت و حالتی که پس از فعالیت به انسان دست می‌دهد، یافت.

اگر برای ورزش کردن هدفی تعیین کنید و برای کسب این هدف، انگیزه خود را تقویت کنید، می‌توانید به طور مستمر آن را انجام دهید. اگر انسان برای نیل به مقصود خود، مهمترین عامل یعنی «انگیزه» را داشته

باشد، حتماً به مقصود خود می‌رسد. انگیزه شما از ورزش کردن چیست؟ سلامتی؟ صرف اوقات فراغت؟ درمان؟... به هر حال هر چه که هست ارزش آن را بررسی کنید و با توجه به اهمیت آن به فعالیت جسمانی مورد نظر بپردازید. توجه داشته باشید که انگیزه خود را دوباره تقویت کنید تا دلسرد نشوید.

- اثر تدریجی ورزش: یکی دیگر از مشکلات اصلی مردم این است که همیشه به دنبال کسب نتایج آتی هستند و هر عاملی باید تغییری سریع در شرایط فعلی آنان به وجود آورد. مثلاً در مورد بیماریها، درمان با دارو نتیجه‌ای سریع می‌بخشد و بنابراین رغبت و گرایش بیشتری در استفاده از آن وجود دارد. اما بهتر نیست تا حد امکان بیماریها را با ورزش درمان کنیم؟ به نظر می‌رسد که اثرات ورزش دیر حاصل می‌شود. هر چند که در واقع این نظر درستی نیست زیرا ما از فواید پنهانی و دور از چشم ورزش آگاه نیستیم و همین موضوع باعث پیشداوری و دلسردی ما می‌شود. در فعالیت جسمانی، تک تک سلولهای بدن تحریک می‌شوند. اما آیا ما می‌توانیم تحریکات و تاثیرات آن را ببینیم؟ ما معمولاً وقتی که دچار عارضه جسمی یا روحی شده‌ایم به فکر می‌افتیم که

دلیل این ضعف و اختلال چیست؟ درست مثل زمانی است که شما برای پوسیدگی دندان به دندانپزشک مراجعه می‌کنید و تازه متوجه می‌شوید که سهل‌انگاری در نظافت دهان و دندان، چه ضایعاتی برای دندانها به وجود آورده است و عواقب ورزش نکردن هم پس از مدتها بروز کند و خود همین امر موجب می‌شود که اهمیت موضوع را تا مدتهای مدید درنیاپیم.

به سخن دیگر، هم فواید ورزش و هم عواقب آن ظاهراً دیر نتیجه می‌دهند. اما چنین طرز تفکری صحیح نیست. بسیاری از افراد در سنین میانسالی به دلیل ابتلا به بیماریهایی چون آرتروز، دیابت، و سگته‌های ناقص مغزی تمرینات ورزشی را شروع می‌کنند. البته این امر به خودی خود هیچ اشکالی ندارد بلکه مسلماً مفید هم هست. اما آیا بهتر نبود که آنان از سنین نوجوانی خود را به این عامل فرهنگی عادت می‌دادند؟! آیا بهتر نبود علاج واقعه را قبل از وقوع می‌کردند؟! در اینجا روی سخن ما با جوآترهاست، آیا شما هم قصد دارید تجربه تلخ دیگران را دوباره تجربه کنید؟! -

کمبود وقت، مشغله فکری یا مشکلات خانوادگی: هرچند ممکن است تعداد خیلی از افراد به راستی فرصتی برای ورزش کردن

به نظر می‌رسد نتایج ورزش، دیر به دست می‌آید، اما این یک نظریه غیر منطقی است. چون ما فواید پنهان ورزش را به چشم نمی‌بینیم.

وقتی درد داریم، خود را در ورزش کردن ناتوان می‌دانیم، درحالی که فعالیت جسمانی خود، درمانی بسیار مفید است.

نداشته باشند اما بعید به نظر می‌رسد که برای اکثریت افراد جامعه تنها ۳۰ دقیقه وقت اضافی برای اختصاص دادن به ورزش وجود نداشته باشد. باز هم لازم به تأکید مجدد است که تنها چیزی که شما را به تحرک وا خواهد داشت، «انگیزه» است. باید نیاز آن را حس کنید و تنها خودتان می‌توانید این احساس را به وجود آورید. درصدد نیستیم که مشکلات گوناگون مردم را در نظر بگیریم اما می‌خواهیم بگویم که اتفاقاً بسیاری از مردم مشکلات خود را دلیلی موجه برای عدم فعالیت بدنی می‌انگارند. در حالی که این امر توجیهی بیش نیست. ورزش عامل مهمی برای فراغت از مشکلات است. منظور از فراغت از مشکلات، فرار از آنها نیست. بلکه بدان معناست که فرصت استراحت به مغز و دستگاه عصبی باعث تجدید قوای این سیستم می‌شود و پس از آن با کیفیت و قدرت بیشتری می‌توان به تفکر درباره مشکلات و طرق حل آن پرداخت. باز هم تأکید می‌کنیم که تنها عامل ایجاد تحرک در انسان «انگیزه» است. آنچه فرد را به حرکت وامی‌دارد، احساس نیاز به آن است. باید بتوانید این نیاز را حس کنید.

- کمبود امکانات ورزشی: بی‌تردید آنچه

تمایل و رغبت انسان را به سوی هر مسئله‌ای جذب می‌کند، امکاناتی است که برای دستیابی به آن ضروری است. در مورد ورزش، امکانات ورزشی از قبیل سالن ورزشی، مربی، بُعد مسافت و... برای ایجاد انگیزه، شوق و رغبت بسیار مهم است. البته در بسیاری موارد وجود عوامل تسهیل‌کننده، فعالیت را ایجاب نمی‌کند و باز در اینجا همان انگیزه است که راهگشاست. اجازه دهید مجدداً تشبیه کنیم. اگر در شرایطی قرار بگیرید که برای خوردن غذا، نتوانید از قاشق استفاده کنید، آیا از خوردن غذا صرف نظر می‌کنید؟ پاسخ مشخص است، چون گرسنه هستید با هر وسیله‌ای که باشد (حتی با دست) غذا را می‌خورید. انگیزه و نیاز موجب می‌شود که انسان راه‌حلی برای رفع احتیاج خود بیابد.

بدیهی است که ورزش در سالن ورزش و در میان گروه، انگیزه بیشتری جهت فعالیت ایجاد می‌کند و افرادی که به سالن ورزش می‌روند، رغبت بیشتری در استمرار تمرینات ورزشی دارند. اما این امر نمی‌تواند توجیهی برای ورزش نکردن باشد. اجرای تمرینات ورزشی به طور صد در صد در منزل غیرممکن نیست. در ضمن این که برای رفع این کمبود می‌توان در فصول مناسب از

پارکها نیز استفاده کرد.

نیاز به مربی در پاره‌ای موارد می‌تواند دلیل منطقی برای عدم فعالیت باشد. برای حل این مشکل و کسب راهنمایی می‌توانید با کارشناسان تربیت بدنی و علوم ورزشی مشورت کنید. در پاره‌ای موارد مشاهده می‌شود که ورزش اثری عکس می‌گذارد و با ایجاد درد در برخی از اعضای بدن موجب محدودیت فعالیت می‌شود. در حالی که فعالیت جسمانی در درمان و رفع بسیاری از عوارض جسمانی مفید است. در غالب موارد عدم فعالیت موجب ایجاد درد می‌شود. بنابراین عدم فعالیت در هنگام بروز این گونه عوارض، موجب تشدید ضعفهای مذکور می‌شود.

البته بهتر است قبل از اجرای فعالیتهای ورزشی برای رفع درد یا عوارض جسمانی با متخصصین تربیت بدنی یا پزشک مشورت کنید تا نتیجه مطلوب را به دست آورید.

با درنظر گرفتن تمامی عوامل فراموش نکنید که نباید با ارائه دلایل بی‌ارزش، فعالیت جسمانی خود را محدود کنید چرا که شما تنها برای خود زندگی نمی‌کنید. شما فردی هستید از آن جامعه خود. فردی هستید از آن خانواده خود و آرزوگی شما، به هر دوی اینها لطمه می‌زند.



زبان

نیازمندیهای

بسیاری از کتابها و نشریاتی که می‌خوانیم
با این وسیله حروفچینی و صفحه‌آرایی می‌شوند:

نرم افزار انتشاراتی نقش

Version 4.5

سگارش ۲/۵

فونت ادیتور مخصوص

می‌توانید فونتهای اختصاصی خود
را طراحی کنید.

استخراج فهرست اعلام

کلمات علامت‌خورده را با ذکر
شماره صفحات و به ترتیب الفبا
فهرست می‌کند.

محاسبه هزینه حروفچینی

سطح و هزینه کار حروفچینی شده
را محاسبه و گزارش می‌نماید.

امکان تنظیم اعرابها

موقعیت ۱۵ حرکت مختلف را
نسبت به هر حرف تنظیم نمایید.

چاپ با تمام چاپگرها

پشتیبانی چاپگرهای Epson LQ
و HPLaserJet IIp, IIIp, III, IIIsi
و HP DeskJet یا معادل آنها.

غلطیاب املائی فارسی

املای صحیح بیش از ۲۰۰,۰۰۰ لغت
مورد استفاده فارسی را می‌شناسد.

خط‌کشی خودکار جداول

جدولها را با یک فرمان خط‌کشی
می‌کند.

چاپ تصاویر

تصاویر را در میان متن چاپ کنید.

تنوع فونت فارسی و لاتین

کامپست، لوتوس، بدر، زر،
مخصوص تیترا، Roman Times و
Helvetica...

استفاده از حروف ترکیبی

برای متون ادبی قدیمی یا عربی.

حروف مایل از همه فونتها

مایل به راست یا مایل به چپ.

تعلیم نقاشی و طراحی به کودکان و نوجوانان

توسط کارشناس نقاشی کانون
پرورش فکری کودکان و نوجوانان
تلفن ۸۴۳۱۲۴

اوکازبون

آپارتمان سه خوابه شهرک غرب -
تک واحدی طبقه دوم ۱۹۲ متر -
شخصی‌ساز - با فیش تلفن - موکت
- کولر - آشپزخانه باز چوبی -
سرویس خارجی - فوری - فروشی
تلفن ۸۴۳۱۲۴

آرایش‌پری

عروس را با تازه‌ترین مدلها آرایش
می‌کند
اول پاسداران - نش نگارستان سوم
تلفن ۲۳۲۲۵۴

فوری مورد نیاز است

یک خانواده چهار نفری به یک
آپارتمان سه خوابه با سرویس کامل
در حد فاصل پارک دکتر شریعتی تا
اتوبان شهید صدر نیازمند است
تلفن ۸۶۷۳۵۴

عکاسی صنعتی، تبلیغاتی

تلفن ۶۵۳۵۲۸
تماس عصرها

مؤسسه انتشارات صابرین

تهران، خیابان شهید بهشتی، خ. میترا، نکسا، ۵ - کد پستی ۱۵۷۸۸ - تلفن ۸۵۴۱۹۶

تدریس خصوصی گیتار

در منزل شما

تماس ۳ تا ۷ بعد از ظهر

تلفن ۷۷۱۷۰۳

مؤسسه خدمات تصویری آذین

ظهور و چاپ عکس رنگی در ۴۵ دقیقه

فیلمبرداری و عکسبرداری از مجالس عقد و عروسی؛ عکاسی صنعتی، تبلیغاتی؛ ساخت آرمهای تجارتی و کارت ویزیت و تبریک؛ تبدیل فیلمهای سوپر هشتم به ویدئو، تبدیل کلیه فیلمهای ویدئو با کامپیوتر با پیشرفته‌ترین سیستمهای میکس و افکت.

آدرس: خیابان انقلاب - اول استاد نجات‌الهی - کوچه مراغه تلفنهای

۸۳۴۰۴۱-۲

آموزشگاه آواپیش آوامو

با امتیاز رسمی از وزارت کار

هدل وایگان



آموزش با جدیدترین محصولات، همگام با آخرین تکنیکها هنرجو می‌پذیرد

انقلاب - فلسطین - ساختمان مهر، روبروی دانشگاه آزاد - طبقه سوم تلفن: ۶۲۰۱۲۸۹

روشنگران منتشر کرده است:



اندوه زن بودن
خاطره حجازی

به همین قلم به زودی منتشر می‌شود:

مکاشفه حوا [دفتر سروده‌ها]
در شب ایلاتی عشق [داستان ایرانی]
بخش چشمه - تلفن ۶۶۲۲۱۰

انتشارات روشنگران - تهران صندوق پستی ۵۸۱۷ - ۱۵۸۷۵
تلفن ۶۵۷۴۲۴

فروشگاه و لابراتوار رنگی افریقا

چاپ عکس رنگی با مدرنترین

دستگاههای پیشرفته جهان

با بهترین کیفیت در ۲۳ دقیقه

آدرس: خیابان افریقا نبش بلوار

گلشهر تلفن: ۲۲۲۵۷۳

خانواده به عنوان اولین نهاد و کوچکترین واحد اجتماعی در جامعه بشری شناخته شده است. عموم جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان امروزه بر این باورند که پیدایش و تکامل خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی مقدم بر شکل‌گیری تمام نهادهای دیگر بوده است و این بدان لحاظ بوده که زندگی اجتماعی و بقا و تداوم نسل انسانی، جز با شکل‌گیری خانواده و ایفای کارکردهای مختلف آن امری ناممکن بوده است. اما این نهاد اساسی از لحاظ شکل و ساخت، کارکرد و همچنین ارزشهای فرهنگی در زمانها و مکانهای مختلف، الگوهای متفاوتی را تجربه کرده است.

به منظور تسهیل در بررسی تحول خانواده و مقایسه آن در اعصار و جوامع مختلف و به پیروی از «گرهارد و جین لسنکی» (۱۹۷۸) از طبقه‌بندی مبتنی بر تحول تکنولوژی معیشتی جهت طبقه‌بندی جوامع بشری استفاده می‌کنیم. به طور کلی می‌توان گفت که چهار دوران عمده در تاریخ بشر وجود داشته است:

- ۱- دوره شکار و گردآوری خوراک (تا ۷۰۰۰ سال ق.م)
- ۲- دوره بوستانکاری (باغداری) (از ۷۰۰۰ سال ق.م تا ۳۰۰۰ سال ق.م)
- ۳- دوره کشاورزی (از ۳۰۰۰ سال ق.م تا سال ۱۸۰۰ ب.م)
- ۴- دوره صنعت (از ۱۸۰۰ سال ب.م تا زمان حاضر)

ذیلاً ویژگیهای خانواده در چهار جامعه شکارچی، بوستانکار، کشاورز و صنعتی مورد بررسی قرار می‌گیرند. همچنین اشاره‌ای نیز به ویژگیهای خانواده در عصر فراصنعتی خواهیم داشت.

خانواده در جامعه شکارچی

در طول مدت درازی از تاریخ نوع بشر، تمام جمعیت انسانی در جوامع متکی بر شکار و گردآوری خوراک می‌زیسته‌اند. از

حدود ۱۲۰۰۰ سال قبل از میلاد تا ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد، شکار و گردآوری خوراک، پیشرفته‌ترین تکنولوژی جوامع بشری بود. در این جوامع، امکانات امرار معاش، محدود و تجمعات انسانی بسیار کوچک و همگن بودند. همه در شکار و گردآوری غذا شرکت می‌جستند و همگی از آن استفاده می‌کردند. تخصص در نقشهای شغلی و تقسیم کار تقریباً وجود نداشت جز اینکه شکار وظیفه مردان و گردآوری مواد غذایی وظیفه زنان بود. در این جوامع هیچ اثری از قشربندی اجتماعی نبود. ارتباطات متقابل اجتماعی براساس خویشاوندی صورت می‌گرفت. در این دوره، هم خانواده هسته‌ای وجود داشت و هم خانواده گسترده، یک خانواده هسته‌ای در این جوامع معمولاً متشکل از یک مرد، زن یا زنان او و فرزندان مجرد آنها بود. چندزنی بسیار رواج داشت. داشتن زنان متعدد ظاهراً نوعی موجودی اقتصادی و از بعضی لحاظ نیز، نوعی نشانه تشخیص و برتری پایگاه اجتماعی تلقی می‌شد. طلاق عملاً در این گونه جوامع مجاز و حتی رایج بود. هر خانواده هسته‌ای معمولاً عضو گروه وسیعتری از خویشاوندان بود که تحت عنوان خانواده گسترده مشخص می‌شد. خانواده گسترده براساس روابط خویشاوندی میان افراد مذکر استوار بود. یعنی از یک گروه از برادران و خانواده‌هایشان و یا از یک پدر و پسرانش و خانواده‌های آنها تشکیل می‌شد. این امر تا حدودی نمایانگر سلطه جنس مذکر در جوامع متکی بر شکار است. هر گروه محلی از طریق ازدواج با افراد غیرمحلی (برون همسری) به تدریج شبکه وسیعی از پیوندهای خویشاوندی در اطراف خود به وجود می‌آورد. به گفته یکی از مردم‌شناسان برقراری چنین روابطی در حقیقت وسیله‌ای است برای راهیابی مسالمت آمیز به سرزمینهای دیگر، خاصه به منظور استفاده از امکانات متنوعتر به هنگام بروز تغییرات موسمی در کیفیت منابع غذایی موجود. یکی از اعمال مرتبط با این موضوع، رسم «زن

قرض دادن» است که در گونه‌های کاملاً متفاوتی از جوامع متکی بر شکار و گردآوری خوراک مانند اسکیموها و بومیان اصیل استرالیا رواج دارد. این امر نیز همانند انتخاب همسر غیر محلی، ظاهراً فقط به قصد استحکام، ترمیم یا ایجاد همبستگی میان مردانی که همکاریشان ضرورت دارد، انجام می‌گیرد. با این وصف نباید تصور کرد که زنان در جوامع شکارچی، منحصراً ملک شخصی شوهران خود هستند. نفوذ زنان در زندگی گروه، اغلب قابل ملاحظه است و موقعیت آنها از حد اموال و مایملک بسیار فراتر می‌رود در این گونه جوامع، والدین به دلیل همگنی جمعیت، چندان نگران این نیستند که فرزندانشان با چه کسی ازدواج می‌کنند و به همین دلیل جوانان در رفتارهای خود، قبل و هنگام ازدواج، کاملاً آزادند.

خانواده در جامعه بوستانکار

گذر از شکار و گردآوری خوراک به بوستانکاری با افزایش سطح قرارگاهها و تراکم بیشتر جمعیت همراه بود. در این دوره ذخیره‌های اطلاعاتی آدمیان در مورد کشت گیاهان و اهلی کردن جانوران بیشتر می‌شود. مردم فرصت بیشتری جهت گردآوری داراییهای شخصی پیدا می‌کنند. نابرابریهای در زمینه حیثیت و اعتبار اجتماعی به وجود می‌آید. نظام خویشاوندی در این جوامع، گاه بسیار پیچیده و مبتنی بر گروههای خونی گسترده یا کلان می‌باشد. کلان وظایف وسیعی دارد. از حمایت از اعضای خود در برابر دشمن گرفته تا حمایت اقتصادی و تنظیم امور مربوط به ازدواج و رهبری جامعه. یکی از ویژگیهای این دوره، پرستش مردگان است. پرستش نیاکان در هیچ دوره‌ای به اندازه‌ای که در جوامع بوستانکار دیده می‌شود. رواج ندارد. یکی دیگر از ویژگیهای متمایز نظامهای خویشاوندی در جوامع بوستانکار، اهمیتی است که بسیاری از آنها برای بستگان مادری قائلند. این الگوی غیرعادی، ظاهراً ناشی از نقشی است

خانواده از عصر شکار تا دنیای

که زنان جوامع بوستانکار در تأمین معاش برعهده دارند. در بسیاری از این نوع جوامع، بیشترین بخش عملیات کشت و کار را زنان انجام می‌دهند و این امر موجب رواج و توسعه الگوهای مادرتباری می‌شود. یکی دیگر از ویژگیهای این جوامع، تأکید فزاینده‌ای است که بر جنبه‌های اقتصادی ازدواج به عمل می‌آید. تقریباً در تمام این جوامع دختران دم‌بخت، حکم یک کالای اقتصادی ارزشمند را دارند و مردانی که خواهان ازدواج با آنها هستند باید بهای ما به ازای آن را بپردازند، یا خدمات گسترده‌ای را برای والدین آنها انجام دهند. برای جوانان فاقد امکانات نیز ازدواج، نوعی سرمایه‌گذاری به حساب می‌آید و گروه خویشاوندی گسترده اغلب می‌پذیرد که بخشی از بهای عروس را به خواستگار وام دهد.

خانواده در جامعه کشاورز

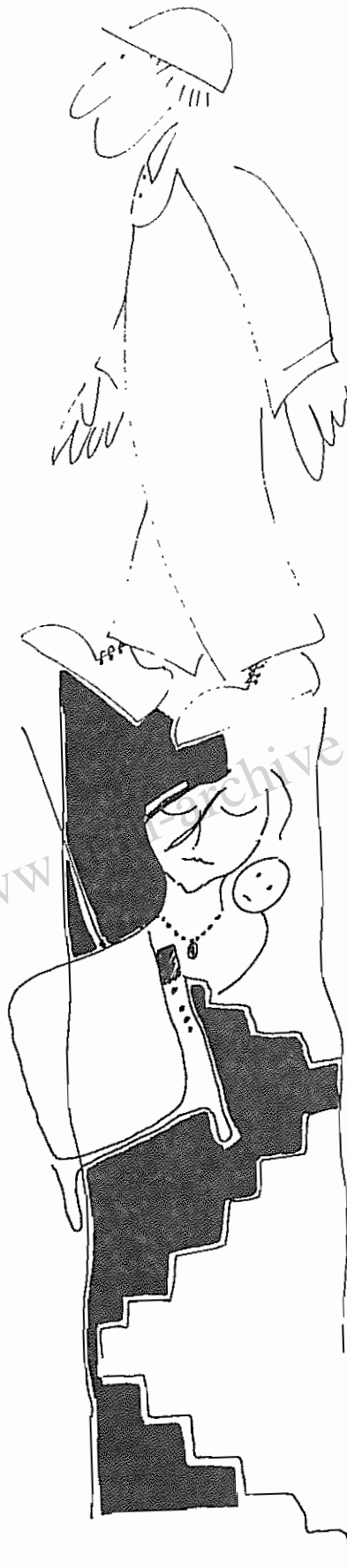
جوامع کشاورز دارای ویژگیهایی هستند که آنها را از جوامع دیگر متمایز می‌سازد. این ویژگیها عبارتند از: اسکان گروههای انسانی، تولید خوراک از طریق کشاورزی، افزایش تراکم جمعیت، گسترش سریع حرفه‌ها و بازرگانی، افزایش تخصص و تقسیم کار، رشد دولت (توسعه سازمانی)، توسعه نظامهای پولی کالایی، برخورداری از تکنولوژی بالاتر (نسبت به جوامع شکارچی)، توسعه اقتصاد روستایی مبتنی بر نظامهای برده‌داری و زمین‌بندگی (سرواز) و مالکیت‌های بزرگ ارضی. در این جوامع، پیوندهای خونی، هم‌چنان بر زندگی سیاسی جامعه تأثیرگذار بود و بسیاری از مشاغل و مناصب سیاسی اعم از نظامی و غیرنظامی، عملاً نوعی میراث خانوادگی محسوب می‌شد که مانند دیگر داراییهای خانواده از پدر به پسر (و گاه به دختر) می‌رسید. اشغال پست‌هایی هم که صاحب و وارث مشخصی نداشت عملاً برای هر شخصی که از طبقه اشراف یا یک «خانواده معتبر» نبود غیرممکن بود. خانواده هسته‌ای در این جوامع همچنان به

احمد فرید

فراصنعتی

منزله واحد تولیدی پایه در نظام اقتصادی بود. خانواده دهقانی به طرز تقریباً تغییرناپذیری یک «واحد کار» محسوب می‌شد، محل کار و محل سکونت معمولاً یک جا بوده و تمام اعضای خانواده، از جمله کودکان، در کارها شرکت داشتند. آموزش و پرورش فرزندان، یک مسئولیت خانوادگی تلقی می‌شد. پسران به طور معمول نقش مردانه و مهارت‌های تولیدی خود را از پدرانشان می‌آموختند و دختران نقشها و مهارت‌های خاص خود را از مادران و خاله‌ها و عمه‌هایشان فرامی‌گرفتند.

در این جوامع، زناشویی به سبب پیامدهای اقتصادی، کاری چندان مشکل به حساب می‌آمد که مطلقاً نمی‌بایست در اختیار جوانان قرار گیرد. حتی میان دهقانان نیز کار ازدواج را پدران و مادران دو طرف اغلب به یاری واسطه‌ها ترتیب می‌دادند. گاه پیش می‌آمد که زوج جوان تا هنگام مراسم نهایی یکدیگر را نمی‌دیدند. به هنگام انتخاب همسر برای فرزندان، پدران و مادران بیش از هر چیز به نتایج اقتصادی و اجتماعی وصلت مورد نظر می‌اندیشیدند تا به چیزهای دیگر. تشریفات هر ازدواج نوعی دادوستد اقتصادی به تمام معنا بود. داماد می‌بایست به والدین عروس شیربها بپردازد و پدر و مادر عروس برای دختر خود جهیزیه فراهم می‌آوردند. ازدواج‌هایی با این مقررات معمولاً به سازگاری روانی و جنسی همسران نمی‌انجامید ولی هدف اساسی ازدواج هم البته چنین چیزهایی نبود. پیوند زناشویی میان زن و مرد معمولاً فقط بدان سبب دوام می‌آورد که نوعی ارزش پایدار اجتماعی محسوب می‌شد و علاوه بر این، منافع اقتصادی حاصل از آن برای دو طرف معامله، اهمیتی حیاتی داشت. در چنین خانواده‌هایی، برتری مرد قاعده‌ای بی‌چون و چرا بود. چرا که اطاعت و فرمانبرداری بطور معمول یکی از مهمترین صفات پسندیده نزد کودکان و زنان به شمار می‌رفت. از دیگر مشخصه‌های نظام خانوادگی در



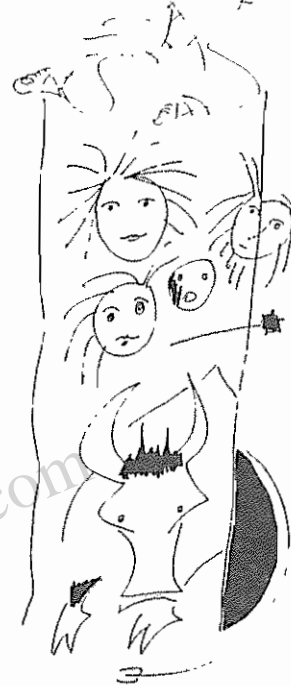


خانواده در جامعه صنعتی

به دنبال پیشرفت‌های تکنولوژیک و روندهای ناشی از آن (همچون تخصص‌یابی و تقسیم کار)، به خصوص با انقلاب صنعتی (در نیمه دوم قرن هیجدهم میلادی)، عصر جدیدی آغاز شد که دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی بی‌نهایت سریعتر و فراگیرتری را در پی داشت؛ پیامدهای این دگرگونی عظیم در نظام خانواده و خویشاوندی، همچون سایر نظامها بسیار مهم و اساسی بوده است.

در جوامع صنعتی بسیاری از عملکردهای سنتی خانواده از بین رفته و یا به شدت دگرگون شده است. خانواده دیگر یک واحد تولیدی نیست بلکه فقط یک واحد مصرف است. خانواده‌ها دیگر صاحب اختیار نظام سیاسی نیستند. خویشاوندگرایی دیگر به عنوان یک امر عادی و مشروع، پذیرفته نیست. آموزشگاههای عمومی، گروههای مذهبی و دیگر سازمانها هر یک بخشی از وظایف سنتی خانواده را به جای می‌آورند. با این حال خانواده از تمام نقشهای تاریخی خود محروم نشده است. بعضی از حساسترین این نقشها، از جمله تولید مثل و نخستین مراحل اجتماعی کردن کودکان هنوز بر عهده خانواده هسته‌ای است؛ نتیجه اینکه خانواده خود نیز به نوعی نهاد تخصصی مبدل شده است.

ساخت خانوادگی گسترده نیز با شتاب و عمومیت بیشتری به سمت نظام خانوادگی هسته‌ای حرکت کرده است. البته چنان که «مایر، اف. نیمکوف و راسل میدل تون» (۱۹۶۱) خاطر نشان ساخته‌اند هیچ گونه ارتباط علت و معلولی بین صنعتی شدن و رشد خانواده هسته‌ای وجود ندارد، نظام خانوادگی هسته‌ای هم در جوامع مدرن و هم



این دوره، تاکید مفرط بر باروری انسانی و قدرت تولید مثلی زوجین بود چرا که در این دوره، افراد انسانی به عنوان پیروان، ولستگان و خویشاوندان، منبع اصلی قدرت سیاسی، عایدات اقتصادی، حیثیت و اعتبار اجتماعی و لذت فردی محسوب می‌شدند.

یکی دیگر از ویژگیهای این نوع جوامع، مالکیت‌های بزرگ ارضی همراه با در اختیار داشتن شمار زیادی از بردگان و زمین‌بندگان (سیرف) می‌باشد. برگزیدگان حاکم (اربابها) بر مال و جان و ناموس بردگان خود مسلط بودند به طوری که بسیاری از خانواده‌ها در صورتی که منافع یا میل اربابانشان ایجاب می‌کرد از هم پاشیده می‌شد. دهقانان اغلب قدرت آن را نداشتند که زنان و دختران خود را در برابر هوسهای گروه حاکم محفوظ بدارند و در بعضی از مناطق، ارباب حق مشهور «شب زفاف» را به خود اختصاص می‌داد. این حق بدان معنا بود که تمام عروسان منطقه باید نخستین شب ازدواج خود را نزد ارباب بگذرانند.

در جوامع غیرصنعتی وجود داشته است. آنچه انقلاب صنعتی انجام داد عبارت بود از تضعیف خانواده‌گرایی گسترده از طریق خارج ساختن بخش عظیمی از جمعیت از حوزه فعالیت‌های کشاورزی به سمت فعالیتهای صنعتی.

در نظام صنعتی چون تاکید بر اجرا و عملکرد است، افراد در اجتماع باید به این سوی و آن سوی رفته و به هر کجا که بازار شغل گرمتر است روانه شوند. نظام خانواده زن و شوهری نومکان است و در چنین جامعه‌ای، تحرک جغرافیایی و شغلی از لوازم و همچنین پیامدهای صنعتی شدن می‌باشد. این امر نه تنها فاصله فیزیکی و جغرافیایی بین افراد و خویشاوندان آنها ایجاد می‌کند بلکه به دلیل تحرک طبقاتی صعودی فرزندان، به ایجاد فاصله روانی و عاطفی بین آنها نیز منجر می‌شود. با آنکه هزینه کمتر و آسایش بیشتر وسایل حمل و نقل و ارتباطات جدید، تماس و رابطه افراد را با خویشاوندان دور دست بسیار آسانتر کرده است اما این روابط آشکارا به صمیمیت و صداقت زمانهایی نیست که خویشاوندان دور و نزدیک، همه در یک محل و یک گروه می‌زیستند.

توسعه صنعتی، ساختار سنتی خانواده را نیز از نظر اقتدار حاکم بر آن سست کرده است. پدر خانواده دیگر همان رئیس مرسوم در جوامع کشاورزی سنتی محسوب نمی‌شود، و والدین درگیر قادر نیستند همان نظارت تنگاتنگ و سخت گیرانه‌ای را که در گذشته بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کردند، بکار بندند. نفوذ همگان و یا گروه همال (همبازی) و رسانه‌های جمعی بر نوجوانان، باعث کاهش تاثیر خانواده شده

در جامعه کشاورز، دهقانان اغلب قدرت آن را نداشتند که زنان و دختران خود را در برابر هوسهای گروه حاکم محفوظ بدارند.

هرچه حیات شخصی افراد بیشتر توسط نیروهای غیرشخصی تعیین می‌شود، بر اهمیت خانواده به عنوان محلی برای تسکین روان‌شناختی افراد افزوده می‌شود. خانگی شدن، صمیمیت و خلوت‌گزینی از ویژگیهای این نوع خانواده است.

است و بسیاری از کشمکشهای خانوادگی نیز از همین امر برمی‌خیزد. توسعه صنعتی، اعضای خانواده‌ها را هم روحاً و هم جسماً از یکدیگر گسته است. بسیاری از پدران و مادران شاغل در تمام طول روز، دور از خانه خود به سر می‌برند و از سوی دیگر آموزشگاهها و دیگر سازمانهای اجتماعی نیز فرزندان را به دلایل گوناگون، بیرون از خانه نگه می‌دارند. نوجوانان بیشتر در میان دوستان و همگنان خود بسر می‌برند تا در خانه و کاشانه خود؛ همین‌طور زنان و شوهران بیشتر در جمع همکاران خود دیده می‌شوند تا در مصاحبت با یکدیگر یا همراه فرزندان.

البته دلیل دیگر اُفت اقتدار خانواده در جوامع صنعتی را می‌توان جهان‌بینی‌های دموکراتیک آنها دانست که به‌طور معمول بیشتر بر حقوق فردی تأکید می‌ورزند تا بر مسئولیت‌های گروهی.

زناشویی در جامعه صنعتی امروز بیشتر به دلایل شخصی و به قصد تکمیل و تأیید نیکبختی شخصی صورت می‌گیرد، در حالی که در جوامع کشاورزی، این امر در قالب دوراندیشیهای اقتصادی و به دست والدین انجام می‌گرفت. مردم، امروز زناشویی را همچون پیوند زن و مردی در نظر می‌آورند که هم از نظر جسمانی و هم از نظر عاطفی به سوی یکدیگر کشیده می‌شوند و امیدوارند که با شریک شدن در زندگی همدیگر به کامروایی و آسایش و حرمت و رفاقت بیشتر و صمیمانه‌تر دست یابند. کوتاه سخن، ازدواج و تشکیل خانواده در جوامع صنعتی امروز، بیشتر به صورت نوعی انتخاب درآمده است تا نوعی ضرورت.

صنعتی شدن و روندهای متعاقب آن

(شهرنشینی و...) تحولات دیگری را نیز سبب شده است از جمله: افزایش طلاق، تنظیم باروری و کنترل مولید، بالا رفتن سن ازدواج، انتخاب شخصی افراد در ازدواج، تحول نقش زنان و مشارکت آنها در فعالیتهای اجتماعی و همچنین عوارضی مانند: تزلزل خانواده، افزایش رفتارهای جنسی خارج از محدوده زناشویی، سقط جنین، مولید نامشروع و...

خانواده در جامعه فراصنعتی

«آرتور پنتی» سوسیالیست و پیرو ویلیام موریس، واژه جامعه فراصنعتی را در ابتدای قرن حاضر مطرح کرد. «پنتی»، جامعه‌ای را در آینده آینده می‌دید که مبتنی بر کارگاههای دستی کوچک و واحدهای نامتمرکز حکومتی است. جامعه‌شناس آمریکایی «دانیل بل»، در دهه ۵۰ این مفهوم را به معنای کاملاً جدیدی بکار برده است. «بل» بر این باور است که جوامع صنعتی مدرن در حال ورود به مرحله جدیدی از تکامل خود هستند، یعنی مرحله مابعد صنعت. جامعه فراصنعتی همان قدر متفاوت از جامعه صنعتی کلاسیک است که این جامعه از جامعه کشاورزی ماقبل صنعت متمایز است. برخی از مهمترین ویژگیهای جامعه فراصنعتی از نظر «بل» به طور فهرست‌وار عبارتند از:

- تولید خدمات و نه کالا.
- اشتغال نیروی کار انسانی در مشاغل غیر یدی (یقه سفیدها) و نه مشاغل یدی (یقه آبیها)
- تبدیل کارگران به کارمندانی با مشاغل تخصصی، مدیریتی و فنی.
- محو تدریجی طبقه کارگر همراه با محو بسیاری از تضادهای طبقاتی جامعه صنعتی
- ظهور صف بندیهای اجتماعی مبتنی بر

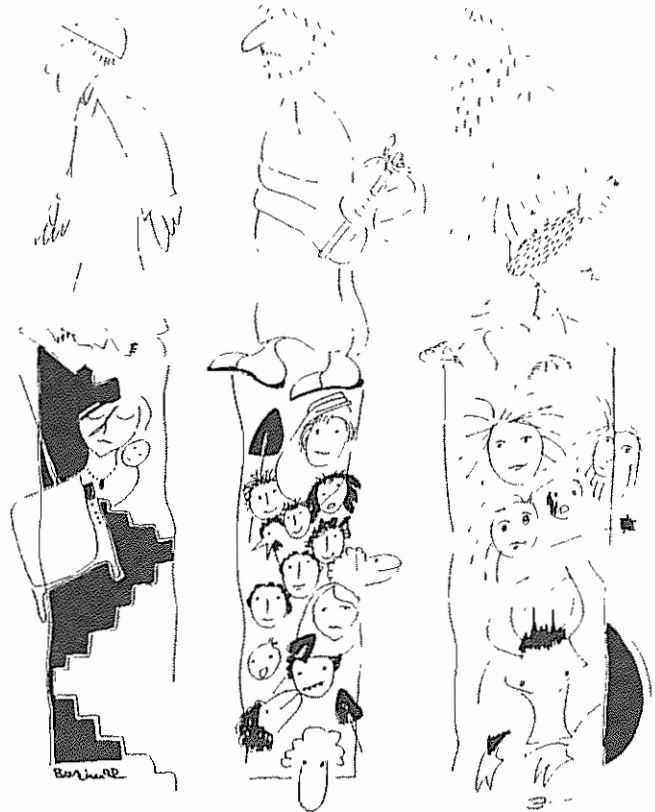
منزلت و مصرف بجای صف بندیهای مبتنی بر کار و تولید
- افزایش اهمیت علم و دانش به عنوان اساسترین منبع ملی (البته دانش تنوریک و نه دانش کاربردی) و حمایت از آموزش در سطوح عالی و فعالیتهای تحقیقاتی و توسعه‌ای (اهمیت یافتن دانشمندان و متخصصین و نهادهای علمی همچون دانشگاهها که نهایتاً جای بازرگانان و سازمانهای تجاری را به عنوان مجموعه مسلط بر جامعه می‌گیرند). بسیاری از تحولاتی را که «بل» در مورد اقتصاد و ساختار شغلی پیش‌بینی کرده بود در حال حاضر در حال وقوع است. جوامع صنعتی، اینک تا حد زیادی جوامعی خدماتی و مبتنی بر فعالیت یقه‌سفیدهاست. بخش صنعت در حال انتقال به جهان سوم است. مقرر شده است که شرکت‌های چند ملیتی در شهرهای متعلق به جهان فراصنعتی واقع شده است اما کارخانه‌هایشان در کشورهای صنعتی در حال فعالیت هستند.

از دیدگاه آینده‌شناسان (Futurologists)، جامعه فراصنعتی در حوزه خانواده و ازدواج نیز تحولات زیادی را شاهد خواهد بود، تحولاتی که از هم اکنون نشانه‌های آنها نمودار شده است. «الوین تافلر» آینده‌شناس معروف آمریکایی در کتاب بحث‌انگیز خود به نام «ضربه آینده» (که در سال ۱۹۷۰ منتشر و بعدها چندین بار تجدید چاپ شد). مرگ خانواده را هشدار می‌دهد. «لامبرگ» جامعه‌شناس دیگر آمریکایی در کتاب «تغییر شکل آینده» می‌نویسد که خانواده در شرف برچیده شدن است. «بولت» روانکاو نیز اعلام می‌کند که خانواده عملاً بیشتر از یک یا دو سال - یعنی هنگامی که والدین، کودک را

در جامعه شکارچی دختران دم بخت،
کالای اقتصادی ارزشمندی بودند
و مردهای خواهان ازدواج با آنها بایستی مابه
ازای آن را می پرداختند.

در زمینه پیش بینی وضع خانواده،
نظرات جامعه شناسان سخت با یکدیگر
در تضاد است:

دوران افاده خانواده به سرآمده و یا
در حال استحکام و رسیدن به عصر
طلایی خویش است.



الگری «کاشانه خالی» (empty nest) به صورت الگویی غالب و مسلط در خواهد آمد. در حالی که در مراحل اولیه صنعتی شدن، به دلیل بالا بودن سن ازدواج فرزندان، درصد بالای باروری و درصد پایین امید زندگی، فرزندان تقریباً تا آخر عمر والدینشان در خانه و در کنار آنها می ماندند و کاشانه بندرت خالی می ماند.

است که اجتماع باعث آن می شود. کانون خانواده محلی است که انسان پس از تنازع بقا در دنیای خارج، از نظر جسمی و روحی رنج کشیده و زخم خورده به آنجا بازمی گردد. به نظر این جامعه شناس خانواده نه تنها در شرف انحلال نیست بلکه برعکس در حال استحکام و رسیدن به عصر طلایی خود است. جامعه شناس دیگری بنام «آتوپولاک» نیز بر این باور است که خانواده آینده، خانواده ای است که آدمی را از پیچیدگیهای فزاینده دنیای بوروکراتیک نجات می دهد. هرچه که حیات شخصی افراد بیش از پیش توسط نیروهای غیر شخصی تعیین می گردد، بر اهمیت خانواده به عنوان محلی برای تسکین روان شناختی افراد افزوده می شود. خانگی شدن، صمیمیت و خلوت گزینی از ویژگیهای این نوع خانواده است. خلوت خانه و جدایی آن از محل کار، اینک بیش از هر زمان دیگری مورد تأکید و توجه ساکنین آن قرار گرفته است. چشمگیرترین تحول مدرن در خانواده های فردا، که طلیعه آن کم و بیش در خانواده های امروزی نیز به چشم می خورد، انزوا، تنهایی و تک افتادگی والدین در میانسالی است. با کاهش مجدد سن ازدواج در جامعه فرصتی و کمتر شدن تعداد فرزندان، آن هم در زمانی که والدین بسیار جوان هستند،

تربیت می کنند - دوام نمی آورد. بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی غرب اظهار می دارند که خانواده وظایف و کارکردهای پیشین خود را از دست داده و تبدیل به یک نهاد اجتماعی ناکارکرد شده که عصر افاده اش دیگر به سر آمده است. یکی از دلایل چنین نتیجه گیریهایی، شک و تردیدی است که از سوی گروهی از اندیشمندان و جوانان درباره مبانی جامعه صنعتی به وجود آمده و باعث شده تا جماعتی در جستجوی راه و رسمهای جدیدی در زندگی فردی و جمعی باشند. کشورهای اسکانندیناوی از این نظر در مقام نخست هستند. بسیاری از متفکرین و جامعه شناسان این کشورها به طور جدی صور جدید ازدواج را مورد توجه قرار داده اند. بسیاری از آنها در حال بحث و بررسی پیرامون ارزش و اعتبار اشکالی همچون ازدواجهای سه نفره، چهارنفره، ازدواج بین دو زوج، ازدواج بین همجنسها، ازدواج گروهی و زندگی در حالت کمون هستند. در برخی از این کشورها نیز نتایج اینگونه بحثها، بعضاً صورت قانون نیز به خود گرفته است. در مورد پیش بینی وضع آینده خانواده نیز نظرات جامعه شناسان سخت با یکدیگر در تضاد است. به نظر یک جامعه شناس آمریکایی، خانواده عبارت از نوعی کاهش دهنده قوی ضربه ها و تنشها

متابع:

۱ - لنسکی (گرهارد و جین) سیر جوامع بشری، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹

۲ - میشل (آندره)، جامعه شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنیس اردلان، تهران، ۱۳۵۴

3 - Blood, Robert, O. The Family, New York, the free Dom, 1972

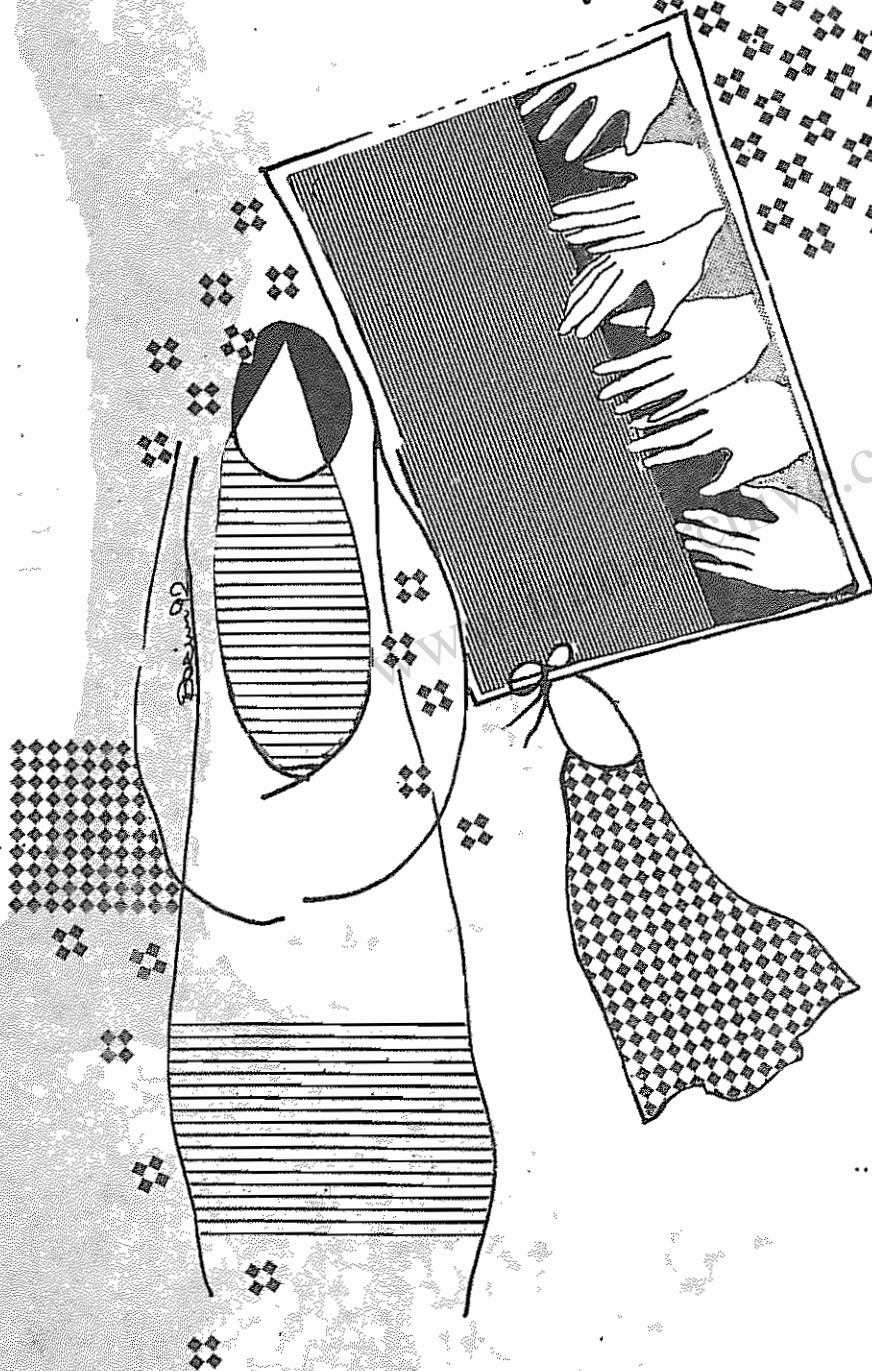
4 - Leolic, Gerald.R, the family in social context, London, Oxford university Pren 1973.

5 - Hart, Harold.II., Marriage: far and against, New york, 1972.


6 - Kupper (Adam and jessige), the social encyclopedia, London, Routledge and kegan Paul, 1985.

من و پیش بندم

شیلا رو بانام
ترجمه زهره زاهدی



اگر پیش بندم را
به کمر بسته باشم
به دنبال
جنگلها و برفها را خواهد پیمود...
اگر پیش بندم
به میخ آویخته باشد
از برابر خانه ام می گذرد
بی آنکه حتی در بزندا



همه ما، در زندگی کمابیش با فقدان موهبت‌های گرانقدر مواجه می‌شویم. زن میان‌سالی که سکتۀ قلبی می‌کند و ناچار می‌شود نحوه زندگی خود را تغییر دهد، چیزهایی را از دست داده است: امکاناتی که سابقاً در اختیارش بوده است. پدر و مادرانی که فرزند خود را از دست می‌دهند، از باارزشت‌ترین موهبتی که در دنیا داشته‌اند، بی‌نصیب می‌مانند. فردی که، در هر سنی، به دلیل جدایی یا مرگ از فراق کسی که دوستش داشته است رنج می‌برد، معمولاً احساس بی‌کسی می‌کند. متأسفانه اغلب ما نمی‌دانیم در اوقاتی که بحرانهای شخصی به ما رو می‌کند چگونه به خودمان کمک کنیم. برداشت ما از اندوه به طور کلی غلط است. در یکی از سخنرانی‌هایم، یکی از دانشجویان نزد من آمد و گفت برای عمویش که - اصلاً نتوانسته بود جدایی همسرش را بپذیرد - بسیار نگران است. پسر جوان از دست عمویش که مدام در باره همسر متوفایش حرف می‌زد و هنوز اشک می‌ریخت، خسته شده بود. از او پرسیدم چه مدت است که عمویش در این آشفته‌حالی به سر می‌برد؟ او جواب داد: «بیشتر از چهار ماه است!»